



بازی شیطانی آتش‌بس

وطن امروز



خلافت‌تئوریک دولت

تیتراهای امروز

روز درخشان ورزش ایران به پاریس با طلای اسماعیلی و تاریخ‌سازی ناهید کیانی

کاروان افتخار

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سعید اسماعیلی دستی که طلا را از حسن یزدانی گرفت



سردار قاتانی در نامه‌ای به یحیی سنوار انتخاب وی به عنوان رئیس جدید دفتر سیاسی حماس را تبریک گفت

پرچمدار میدان‌دار

وزیر راه و شهرسازی از شکست رکورد ۲۰ ساله ترازیت با افزایش ۵۷ درصدی خیر داد

گزارش ایران راه

«وطن امروز» از نقش اتاق بازرگانی در چینش کابینه چهاردهم گزارش می‌دهد

در آن اتاق چه خبر است؟

صفحه ۲

دیدگاه

پشیمانی اردوغان یا یک نفاق دیگر؟

مهدی گرگانی: «بازگشت به همسایه»؛ این بهترین توصیف برای رویکرد دولت ترکیه در ارتباط با بحران سوریه طی ماه‌های اخیر است؛ کشوری که با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ به سرعت و همصدا با کشورهای غربی همسایه خود راه‌ها کرد و در دامان پروپاگاندای کشورهای غربی افتاد و در راستای ساقط کردن حکومت دمشق از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. اکنون بعد از گذشت ۱۳ سال از آغاز جنگ سوریه، ترکیه دارد به آب و آتش می‌زند تا روابط خود را با دولت سوریه عادی کند و به قول معروف آب رفته را به جوی بازگرداند.

۱- کشورهای زیادی در منطقه خلیج فارس خواهان براندازی حکومت بشار اسد بودند و در این راه کمک‌های زیادی هم به معارضان سوری و تروریست‌ها کردند اما با شکست همه پروژه‌های ضدسوری و تثبیت قدرت بشار اسد، طی سال‌های گذشته یکی یکی به سوریه بازگشتند و روابط خود را با این کشور عادی کردند اما داستان ترکیه متفاوت‌تر از آنهاست. از سویی رجب طیب اردوغان همه پل‌های پشت‌سر را خراب کرده و از سویی دیگر غرور این کشور اجازه با پیش گذاشتن برای بازگشت به آغوش سوریه نمی‌داد.

۲- با این حال مشکلات عدیده داخلی در ترکیه از جمله مشکلات اقتصادی و تورم لجام‌گسیخته و بحران پناهجویان سوری، این کشور را مجبور کرد تا رویکرد سیاست خارجی خود را بویژه در ارتباط با سوریه تغییر دهد و پیروزی اردوغان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته آنکارا را بر آن داشت تا با آغاز دوره جدید ریاست‌جمهوری وی ریل‌گذاری خود را تغییر دهد.

یادداشت
روایت‌سازی‌ها را تشدید هم کرده است. رسانه‌های آمریکایی مانند هر دوره انتخابات، بر نظرسنجی‌های عمومی و ایالتی متمرکز هستند و گردش آرا در ایالات خاکستری و تعیین‌کننده‌ای مانند آریزونا، پنسیلوانیا، ویسکانسین، میشیگان و جورجیا را با وسواس همیشگی خود مورد سنجش و تحلیل قرار می‌دهند. محصول این روایت‌سازی‌های روبنایی مشخص است: یاد کردن از جمهوری خواهان به عنوان مصادیق جنگ‌طلبی و بحران‌سازی در جهان و در مقابل، توصیف دموکرات‌ها به عنوان سیاستمدارانی

نگاه محسن سلگی: در ادبیات توسعه،

از موازنه و عدم موازنه میان ثبات سیاسی و رقابت سیاسی سخن به میان آمده است. در این ادبیات، یک خوانش تسرح، خواهش

هنجاری است که توسط سندرز مطرح شده است. در انگوی هنجاری ثبات و رقابت، ارزش‌های درونی یک کشور پایه و اساس قرار می‌گیرد. در اوایل انقلاب که رقابت بیشتر شده بود، ثبات رو به افول گذاشت. مثال دیگر دهه ۳۰ است که در آن رقابت سیاسی در اثر آزادی‌های نسبی بیشتر شد اما ثبات کاهش یافت. چالش گروه‌های روشنفکری با ارزش‌های درونی و دینی در دهه اول انقلاب، ثبات را به افول برد. در سال‌های بعد، در انتخابات‌های منجر به روی کار آمدن دولت هاشمی، اوج ثبات را شاهد بودیم اما رقابت مطلوب در کار نبود. در انتخابات سال ۷۶، رقابت و ثبات هر دو در یک اوج جدید به ملاقات هم رسیدند.

انتخابات سال ۸۴ نیز چنین بود اما در سال ۸۸ رکورد بی‌سابقه رقابت را شاهد بودیم. در حالی که ثبات به کمترین حد خود رسید و شاهد ۷ ماه اعتراض خیابانی بودیم. در این میان، دولت پزشکیان همچون دولت شهید رئیسی و دولت روحانی خود حاصل مقارنه مبارک میان ثبات و رقابت و موارد درخشان در این باره بوده است. پس از این تاریخ، شاهد مقارنه مذکور در همه ادوار بوده‌ایم. به بیان دیگر، این مقارنه در انتخابات‌های متعددی چشم‌گیر بوده است.

انتخابات منجر به پیروزی مسعود پزشکیان نیز یک اوج از تعادل مذکور بود؛ هم رقابتی بود

و هم نامزدها به قانون تمکین کردند. حتی حجم تخریب نسبت به دولت‌های گذشته کمتر شد و این به همراه تعادل گفته‌شده، نشانه‌های دیگر از نهادینگی تکامل‌یافته نظام بود.

مطابق آنچه گفته شد، دولت پزشکیان در یک روند موفق متولد شده است اما این دولت برای حفظ تعادل و مقارنه گفته‌شده، چالش‌هایی خواهد داشت و باید برای تحقق این هدف مهم، به گفت‌مان‌سازی اقدام کند. گفت‌مان وفاق و همدلی که دولت مذکور آن را سرلوحه خود قرار داده، بیان دیگری از حفظ تعادل و مقارنه ثبات و رقابت است. به عبارت دیگر، وفاق بدون مشارکت گروه‌های منتقد شدنی نیست؛ کاری که دولت روحانی در آن موفق نبود و حتی نتوانست حامیان خود را به طور وسیع حفظ کند. کلان‌مانند عدالت دست یازید، دولت روحانی از دموکراتیک و شایسته‌سالارانه بگشاید، همچنین نتوانست در ثبات به معنای عام آن که شامل ثبات سیاسی و ثبات اقتصادی هم می‌شود کارنامه‌ای مثبت از خود نشان دهد. البته این دولت در فوق‌العاده‌ترین شرایط ایران پس از جنگ قرار گرفت و از این حیث باید انصاف را درباره آن رعایت کرد.

در عین حال، دچار ضعف‌هایی بود که دولت‌های قبل به آن مبتلا نبودند. یکی از این ابتلاها نداشتن گفت‌مان یا گفت‌مانی کلان بود که توان تجهیز یا بسیج عمومی را به دولت بدهد. برخلاف رئیس دولت اصلاحات که گفت‌مان آزادی و جامعه مدنی را پیش انداخت، یا دولت احمدی‌نژاد که به مفهومی کلان مانند عدالت دست یازید، دولت روحانی از آغاز نتوانست گفت‌مانی را ارائه کند. آنچه به نام «اعتدال» شعار دولت قرار گرفت غالباً یک روش بود که می‌توانست مستمسک گروه‌های

توصیه‌ای به دولت پزشکیان برای گفت‌مان‌سازی

مختلف قرار بگیرد و اساساً اعتدال اصلی اخلاقی است که در عین همه‌گیر بودن، کلان نیست. برای نمونه گفته می‌شود در غذا خوردن باید جانب اعتدال و میانه‌روی را نگاه داشت. در محبت کردن نباید زیاده‌روی کرد و یا «لا جبر و لاتفویض بل امر بین الامرین» و «خیر الامور اوسطها»... در عالم دین و اندیشه هم مطرح می‌شود. اعتدال در عین کاربرد همه‌جایی اما مفهوم و آرمانی عام و کلان که بتواند احاد جامعه یا توده‌های عظیم از جمعیت مردمی را گرد خود آورد، نیست و آن انرژی کافی را ندارد. گزاره‌های انرژی‌ک و جدی حول «اعتدال» شکل نمی‌گیرد، همان سان که حول «فراط» هم شکل نخواهد گرفت. همچنانکه حول وفاق، به‌خودی‌خود گفت‌مانی شکل نخواهد گرفت، مگر اینکه ارزش‌های همگانی و درونی کشور پایه و بنیاد آن قرار بگیرد.

نکته دیگر اینکه نداشتن گفت‌مان تنها دلیل بحران عدم مقبولیت دولت نیست. بحران عدم مقبولیت را ابتدا باید در عدم موفقیت دولت جست‌وجو کرد. عدم موفقیت نامی دیگر برای عدم‌دسترسی است. در کنار این ۲ بحران، بحرانی دیگر وجود دارد که به تقویت ۲ بحران مذکور منتهی می‌شود و آن بحران مشروعیت است که به نبودن ایدئولوژی درست در دولت بازمی‌گردد. توضیح آنکه دولت به عنوان دولتی عادی‌ساز نتوانست ایدئولوژی درونی و مشخصی از خود ارائه دهد و برای خود یارانی جانفشان یا یارانی جانی بیابد. دولت بی‌دروغ و خارج‌گرا که در پی عادی‌سازی یا نرمالیزاسیون بود، خود دچار روزمرگی و سپس بحران شد، حتی خودش هم نتوانست عادی باقی بماند.

بنابراین اگر دولت پزشکیان در پی گفت‌مان‌سازی و وفاق است، باید از خارج‌گرایی دوری کرده و نیز گفت‌مانی مشخص با غیریت‌ها، مرزها و تعاریف مشخص و واضح ارائه کند تا توان وحدت و همدلی را داشته باشد.

همچنین نباید وفاق را صرفاً مقدمه موفقیت قرار دهد، بلکه موفقیت و کارآمدی هم باید مقدمه وفاق قرار گیرد. همچنان که که شاه نتوانست از ایده‌های مانند ظل‌اللهی^۱ برای بسیج عمومی و اتکا بر باورهای دینی مردم بهره بگیرد، دولت اعتدال نه‌تنها قادر به استفاده از انبهاره دینی جامعه ایرانی نبود که حتی نتوانست از مؤلفه‌های ملی و استکبارستیزی بهره لازم را ببرد.

رویی این ملاحظه، دولت پزشکیان باید از انبهاره دینی جامعه برای گفت‌مان‌سازی و وفاق بهره بگیرد. اگر غرب‌گرایی را مبنا قرار دهد، نه در گفت‌مان‌سازی و بویژه نه در وفاق توفیقی نخواهد یافت. قابل یادآوری است که تلاش‌های ملی‌گرایانه روشنفکران اصلی دولت روحانی نیز قرین به موفقیت نبود. ایده ایرانی‌شهری که توسط سیدجواد طباطبایی دنبال می‌شد و مجلانی مانند «سیاست‌نامه» در پی عمومی شدن و بدل کردن آن به یک گفت‌مان درست - از طریق عمومیت یافتن - هستند نتوانست توفیقی برای دولت داشته باشد و نتوانست به سطحی بالاتر از نخبان فکری نفوذ کند، اگرچه در میان نخبان هم نفوذ اجماع‌آفرینی نداشته است؛ به این معنا که بتواند اکثریت یا بخش بزرگی از فضای نخبگانی را با خود همراه کند. همچنین پیشقراولی عباس آخوندی کافی نبود تا ایرانی‌شهری بدل به گفت‌مانی آشنا برای مردم شود. آخوندی به تفاریق سعی کرده تا ایده ایرانی‌شهری را تبلیغ کند.

گزارش «وطن امروز» از الحاق ۲۶۵۴ سامانه موشکی، پهبادی و راداری به نیروی دریایی سپاه همزمان با اعزام گسترده کشتی‌های جنگی توسط آمریکا به منطقه

خط‌ونشان دریایی



انهدام ناوشکن با یک ضربه



صفحه ۲

گزارش ایران راه

وزیر راه و شهرسازی از شکست رکورد ۲۰ ساله ترازیت با افزایش ۵۷ درصدی خیر داد

گزارش ایران راه

«وطن امروز» از نقش اتاق بازرگانی در چینش کابینه چهاردهم گزارش می‌دهد

در آن اتاق چه خبر است؟

صفحه ۲

توصیه‌ای به دولت پزشکیان برای گفت‌مان‌سازی

مختلف قرار بگیرد و اساساً اعتدال اصلی اخلاقی است که در عین همه‌گیر بودن، کلان نیست. برای نمونه گفته می‌شود در غذا خوردن باید جانب اعتدال و میانه‌روی را نگاه داشت. در محبت کردن نباید زیاده‌روی کرد و یا «لا جبر و لاتفویض بل امر بین الامرین» و «خیر الامور اوسطها»... در عالم دین و اندیشه هم مطرح می‌شود. اعتدال در عین کاربرد همه‌جایی اما مفهوم و آرمانی عام و کلان که بتواند احاد جامعه یا توده‌های عظیم از جمعیت مردمی را گرد خود آورد، نیست و آن انرژی کافی را ندارد. گزاره‌های انرژی‌ک و جدی حول «اعتدال» شکل نمی‌گیرد، همان سان که حول «فراط» هم شکل نخواهد گرفت. همچنانکه حول وفاق، به‌خودی‌خود گفت‌مانی شکل نخواهد گرفت، مگر اینکه ارزش‌های همگانی و درونی کشور پایه و بنیاد آن قرار بگیرد.